**امام هادی را بهتر بشناسیم**

نویسنده: محمود مهدی پور

امام هادی(ع) دهمین رهبر آسمانی است که از سوی پیامبر گرامی(ص) برای اداره امور امت اسلامی معرفی شده است. از نگاه پیروان اهل بیت(ع) امامت و رهبری جامعه تا دوازده نسل بر اساس فرمان الهی و پیامبر(ص) و امامان قبلی تعیین و به جامعه معرفی شده‌اند، در این زنجیره نورانی امام علی النقی معروف به امام هادی و ابوالحسن ثالث دهمین خورشید هدایت امت اسلامی است.
این رهبر بزرگوار، فرزند امام جواد(ع) نوه امام رضا(ع) است که در روستایی از اطراف مدینه به نام «صریا» به دنیا آمد. مادرش کنیزی با فضیلت و پارسا بود که سمانه نام داشت.
تاملی در معنی و مفهوم «هادی» که معروف‌ترین لقب آن بزرگوار است، بسیاری از حقایق را روشن می‌سازد.
هدایت در کتب لغت دو معنای «ارائه طریق » و «رساندن به مقصد و مطلوب» را در بردارد. و معمولاً در ارائه راه مطلوب و مثبت به کار می‌رود.
در فرهنگ قرآن و عترت هدایت و هادی، بار مفهومی و معنایی بسیار عمیق‌تر از رهنمای جغرافیایی دارد. شناخت راه، شناخت مقصد، شناخت امت و کاروانیان همراه، شناخت موانع و مشکلات مسیر، شناخت دزد‌ها و گردنه‌ها، ایجاد انگیزه برای حرکت، دمیدن روح استقامت در رهروان، حفظ اتحاد و هماهنگی کاروان، حمایت و حفاظت از جان و مال و حقوق کاروانیان وظیفه دلیل و رهنمای کاروان و بخشی از مفهوم «هادی» در فرهنگ اسلامی است.
امام هادی، حضرت علی بن محمد النقی و معروف به ابن الرضا(ع) خورشید نورافشانی بود که از سالهای 220ق تا سال 254 رسالت رهبری و هدایت امت بزرگ اسلامی را بر دوش داشت و حدود سی و چهار سال ناخدای کشتی اسلام در میان امواج وحشتناک عصر عباسی بود.
آن بزرگوار در تاریک‌ترین روزگار سلطه اشرار به زندگی بشریت نور و گرمی بخشید و در دشوارترین شرایط فرزندان پیامبر و قرآن را حمایت و سرپرستی کرد.
هادی آل محمد(ع) هم قبله را به خوبی می‌شناخت، هم قبیله را، هم مردم را، هم مردان ساحت سیاست را، او راه دست‌یابی به مقام قرب خدا را از اولیای او آموخته بود. از حیله‌ها و نیرنگ‌ها و مطامع و خواسته‌های دشمنان توحید و عدالت آگاه بود. او ضعف‌ها و کمبود‌ها و جهل و غفلت عمومی و بیماری انسانهای عصر خویش را به خوبی می‌شناخت . قربانیان بیماری‌های اجتماعی را می‌دید و از درد و رنج و مشکلات زندگی مردم می‌سوخت. پزشکی بود که با مریض به خوبی آشنا و مهربان بود. آفات و آسیب‌ها و خطرها و بیماری‌ها مسلمانان و نامسلمانان را به خوبی تشخیص می‌داد.
او در حدود چهل و یک سال زندگی و سی و چند سال رهبری، بر آسمان زندگی بشریت فروغ هدایت پاشید و خورشیدوار گمشدگان وادی غفلت و حیرت و گرفتاران کویر شرک و بیداد را رهایی بخشید. در روزگاری که جهل و غفلت عمومی از یک سو و شهوات و شبهات حکومتی از سوی دیگر، فضای زندگی را از ظلمت و ظلم پر کرده بود و به دست‌گرفتن شمعی کوچک هم، گناهی بزرگ تلقّی می‌شد، هادی امت، خورشیدوار بر آفاق زندگی بشریت تابیدن گرفت و بشریت مظلوم و حق طلب را از افتادن در پرتگاه هواپرستی و جهالت و چاهسار بیداد و کفر و شرک و نفاق مصون داشت.

**عصر هادوی**
رهبری و امامت همیشه رسالتی سنگین است که آسمان و زمین و کوه‌ها از تحمل آن می‌گریزند و تنها فرزندان فاطمه و آموزش دیدگان مدرسه علوی(ع) با حول و قوه الهی می‌توانند، این بار امانت را بر دوش کشند. عصر امام هادی(ع) عصر دشواری است که نمرود ردای ابراهیم(ع) بر تن دارد و فرعون عصای موسی به دست گرفته است. ابوسفیان در جایگاه پیامبر نشسته و یزید ندای توحید و اخلاق بر می‌آورد. هدایت امت در این شرایط که اتحاد زر و زور و تزویر بر کرسی رهبری نشسته چقدر دشوار است.
عباسیان به بهانه وابستگی به پیامبر(ص) بر کرسی خلافت نشسته‌اند و خلافت و حکومت و دولت ابزاری برای بهره‌کشی از مردم و غارت «جان» و «مال» و «نوامیس» محرومان شده است. متوکل کاخهای متعدد می‌سازد، کاخ شاه، کاخ عروس، کاخ شبداز، کاخ بدیع، کاخ غربت، کاخ برج که هفتصد هزار دنیار فقط هزینه ساخت، کاخ برج شده است.1
متوکل دوازده هزار کنیز در کاخ خود دارد وقتی برای پسرش «عبدالله معتز» جشن ختنه‌سوران می‌گیرد فرشی با یکصد ذراع طول با عرض پنجاه ذراع آماده می‌شود، چهار هزار صندلی از طلا و مرصع به جواهر در تالار قصر می‌چیند و بیست میلیون درهم برای نثار بر سر خدام و حاشیه نشینان فراهم می‌اید و غارت بیت المال به اوج می‌رسد.2
میگساری و فسق و فجور و رقص و موزیک بر کاخ‌ها و درباریان حاکم است و فقر و شمشیر و توهین و تحقیر بر توده‌های مردم و بالاترین فشار‌ها و زندان و تبعید و فرار و اعدام و تعقیب علویان و فرزندان فاطمه(س) را تهدید می‌کند.
متوکل، شخصی به نام عمر بن فرج رخّجی را والی مکه و مدینه کرده بود و او مردم را از هر گونه احسان و نیکی به آل ابوطالب منع می‌کرد و هر کس با انان مهربانی می‌کرد، مورد تعقیب و آزار قرار می‌گرفت، به حدّی کار بر بانوان علوی سخت شد که لباس درستی نداشتند که در آن نماز بخوانند. تنها یک پیراهن مناسب برای نماز در دست آنان بود که به نوبت در آن نماز می‌خواندند. ولی پس از نماز آن را در می‌آوردند و به همان جامه‌های کهنه و بدون جامه به چرخ ریسی می‌پرداختند.3
در این دوران سخت جاهلیت عباسیان ـ روزگار متوکل ـ دوباره دنیا بر مدار کفر و مراد جور می‌گردد.
شمشیرهای دفاع از اسلام و اهل بیت(ع) شکسته، و حلقوم‌ها بریده و دارها برچیده و خون‌ها شسته‌اند. و بر مزارآباد شهیدان و قبرستان سرد و ساکت زندگان، شب سیاه هراس و خفقان سایه افکنده و وای جغدی هم به گوش نمی‌رسد.
جاهلیت جدید عصر بنی عباس، سیاه‌تر و وحشی‌تر و سنگین‌تر از طغیان طاغوت‌های اموی است در این فضای سرد و یاس و طوفان بیم و هراس، باز هم مردی از مدینه النبی(ص) تا بغداد و سامرا، مشعل امید و روشنایی و بیداری و قیام و آزادی در دست دارد. او امام هادی(ع) است ک ردای پیامبر بر دوش و فریاد علی و فاطمه(س) در گلو و دانش قرآن در سینه و عشق و آزادی مسلمانان در سر، چه کسی جز او می‌تواند در برابر اقتدار کفر و بیداد و جاذبه‌های فسق و فجور از فریاد قرآن و آزادی انسان‌ حمایت کند.

**رسالت برزگ**
رسالت بزرگ پاسداری از همه ارزش‌ها در برابر هجوم بی‌مرز بر دوش فرزند رشید امام جواد(ع) و نوه خورشید خراسان، ابن الرضا(ع)، حضرت امام هادی(ع) است.
پاسداری از کتاب هدایت و نور،
پاسداری از فطرت سلیم و پاک انسانی،
پاسداری از نیروی عقل و خردورزی،
پاسداری از میراث گرانبهای حدیث نبوی(ص)
پاسداری از رهنمودها و دستاوردهای اوصیای پیشین رسول خدا(ص) و انتقال کامل این معارف به جامعه برنامه زندگی امام هادی(ع) است.
امام نقش رساندن پیام قرآن به گوش عصرها و نسل‌ها را بر عهده دارد، ولی در میان هلهله مستانه و طبل و کرنای ارتش خونریز متوکل و موسیقی مدام خنیانگران و رقاصگان و چشن و پایکوبی و بازی‌ها، مسابقات و جشن‌های هزار و یک شب عباسیان، چگونه قرآن تلاوت کند و در کجا تفسیر قرآن بگوید و چگونه جامعه را به شناخت و احیای سنت‌های نبوی فراخواند.
امام از هشت سالگی رسالت بزرگ رهبری امت را بر دوش گرفته است، ولی از همان آغاز به بهانه تربیت و آموزش در خانه‌ای در صریا اطراف مدینه تا حدود 13 سالگی تحت نظر قرار می‌گیرد و سپس در تبعید‌گاه سامرا 20 سال رایت نورانی امامت را برافراشته نگه می‌دارد.
ده سال با معتصم برادر مأمون.
پنج سال در عصر واثق پسر معتصم.
و حدود 16 سال با متوکل ـ دژخیم‌ترین غدّه بدخیم در روزگار امام.
6 ماه با منتصر پسر متوکل
4 سال با مستعین پسر عموی منتصر
و 3 سال با معتز پسر متوکل معاصر است.

**صلوات بر امام هادی(ع(**
«بارالها! بر علی بن محمد (امام هادی) درود فرست.
او که جانشین اوصیای پیامبر(ص) و پیشوای پارسایان است.
و جایگزین رهبران دین و حجت بر تمام آفریدگان.
بارالها! همانگونه که او را نوری قرار دادی تا مؤمنان از او فروغ بگیرند. او به پاداش بزرگ تو بشارت داد و از کیفر تو مردم را بر حذر داشت و ایات تو را یادآور گردید، حلال تو را حلال دانست و حرام تو را حرام شمرد. آئین تو و واجبات تو را روشن کرد و مردم را به عبادت تو برانگیخت. و به طاعت تو فرمان داد و از معصیت تو بازداشت.
خدایا! بر او درود فرست برترین درودی که بر هر کدام از اولیای خودت و ذرّیه پیامبرانت می‌فرستی ای معبود جهانیان.»
در این صلوات که از امام حسن عسکری(ع) درباره هر کدام از چهارده معصوم نقل شده درباره امام هادی(ع) چنین آمده است:

**اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى‏ عَلِىِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصِىِّ الْأَوْصِيآءِ، وَاِمامِ الْأَتْقِيآءِ،وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدّينِ، َالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلائِقِ اَجْمَعينَ، اَللّهُمَّ كَماجَعَلْتَهُ نوُراً يَسْتَضيى‏ُ بِهِ الْمُؤْمِنوُنَ فَبَشَّرَ بِالْجَزيلِ مِنْ ثَوابِكَ، وَاَنْذَرَ بِالْأَليمِ مِنْ عِقابِكَ، وَحَذَّرَ بَاْسَكَ، وَذَكَّرَ بِآياتِكَ، وَاَحَلَّ حَلالَكَ، وَحَرَّمَ حَرامَكَ، وَبَيَّنَ شَرايِعَكَ وَفَرايِضَكَ، وَحَضَّ عَلى‏ عِبادَتِكَ، وَاَمَرَ بِطاعَتِكَ، وَنَهى‏ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى‏ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيآئِكَ، وَذُرِّيَّةِ اَنْبِيآئِكَ، يا اِلهَ الْعالَمينَ.**

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_
1- سیره پیشوایان، ص593.

2- همان، ص594.
3- تتمة المنتهی، ص323.